عقائد زيديه

زيديان به اصول پنج‌گانه‌ي ذيل معتقد هستند:

1. توحيد

 يعني هر مكلّفي بايد اعتقاد به خدا و وحدانيّت و اقرار به ربوبيّت او داشته باشد.

2. عدل

يعني خداوندكار قبيح انجام نمي‌دهد و افعال انسان چه خوب و چه بد منتسب به خداوند نيست و هر كس به اندازة عملش ثواب و يا عقاب خواهد ديد.

3. منزلة بين المنزلتين

يعني انساني كه مرتكب گناه كبيره شده است، نه مؤمن است و نه كافر. بلكه در درجه‌اي ميان اين دو است. كه فسق باشد، بنابراين مرتكب كبيره، فاسق است، كه در صورت اصرار بر گناه خود اگر بدون توبه بميرد مخلّد در آتش جهنّم خواهد بود و از شفاعت هم بي‌نصيب خواهد شد.

4. وعد و وعيد

«وعد» يعني خبر دادن به ثواب و به وعده دهنده بشير مي‌گويند. وعيد هم به معناي خبر دادن به عقاب است كه به آورندة آن نذير گويند. معناي اين اصل در ميان زيديه اين است كه خداوند در آنچه كه وعده داده است تخلّف نمي‌كند، زيرا خداوندي كه قدرت بر وفاي به وعده و وعيدها دارد، خلف وعده از طرف او جايز نيست. چون مي‌فرمايد: «انّ الله لا يخلف الميعاد» (3) زيديان طبق همين اصل شفاعت را براي اصحاب كبائر باطل دانسته و معتقدند كه اگر مرتكبان كبيره هم شامل شفاعت باشند، خلاف وعدة خداوند است كه فرموده: «ما للظّالمين من حميم و لا شفيع يطاع»(4) و نيز مي‌گويند: شفاعت مخصوص مؤمنين است. بدين معنا كه ترفيع درجه براي آنان مي‌باشد و شفاعت به معناي ريختن گناهان مجرمين است.

5. امر به معروف و نهي از منكر

در تفكّر زيديه اين اصل آن‌قدر اهميّت دارد كه از جملة قواعد سلامت و امنيت فرد و جامعه محسوب شده و معتقدند كه وجوب اين فريضه از راه نقل يعني آيات و روايات ثابت است و براي آن شرايط و مراتبي را قائل هستند. همچنین به خاطر اجرای همین اصل قیام را از شرایط امام می شمارند.

بعضي از عقايد ديگر زيديه به صورت اختصار چنين است:

صفات خداوند عين ذات اوست.

خداوند در دنيا و آخرت ديده نمي‌شود.

حُسن و قبح عقلي را قبول دارند.

توبه ناكثين صحيح است.

معاويه فاسق است و ...

امامت نزد زیدیه

اين بحث در واقع اصلي‌ترين بحث پيرامون فرقة زيديه است. چون نقطة افتراق و جدايي شيعه اماميه و زيديه در همين بحث مي‌باشد. زيديه براي امامت شرايط زير را لازم دانسته‌اند:

1. امام بايد از اولاد فاطمة زهرا ـ سلام الله عليها ـ باشد، خواه از اولاد امام حسن ـ عليه السّلام ـ باشد يا از فرزندان امام حسين ـ عليه السّلام ـ

2. عالِم به شريعت باشد تا بتواند مردم را به احكام ديني هدايت كند.

3. زاهد، عادل، شجاع و سخي باشد.

4. آشكارا به دين خدا دعوت كند، و براي ياري دين خدا قيام مسلّحانه كند.

5. امامت مفضول با وجود أفضل جايز است و ...

به عقيدة آنان پيامبر اكرم ـ صلي الله عليه و آله ـ و ائمة بعد از او تصريح كرده‌اند، كه هر كس داراي صفات ياد شده باشد، امام خواهد بود و اطاعت از او بر مسلمانان واجب است. و اين مطلب را نصّ خفي ناميده‌اند، با اين حال در مورد امام حسن ـ عليه السّلام ـ و امام حسين ـ عليه السّلام ـ قيام مسلّحانه را لازم نمي‌دانند، چون رسول اكرم ـ صلي الله عليه و آله ـ دربارة آنان فرمود: «هما امامان قاما او قعدا» يعني حسن و حسين چه قيام كنند و چه قيام نكنند امام خواهند بود. از نظر زيديه خالي بودن زمان از امام جايز است، چنانكه وجود دو امام در يك زمان در دو منطقه دور از هم نيز جايز مي‌باشد.(5)

عصمت امام:

زيديه معتقد به عصمت همة ائمه نيستند در نظر آنان فقط اصحاب كساء ( يعني پيامبر ـ صلي الله عليه و آله ـ ، علي ـ عليه السّلام ـ ، فاطمه، حسن و حسين ـ عليهم السّلام ـ ) معصوم هستند و مي‌گويند: امام مانند ساير مردم است و از خطا معصوم نيست.

علم امام:

علم ازلي براي امام را قبول ندارند، و مي‌گويند علم در كتب مختلف موجود است و همه به آن دسترسي دارند، از اين رو اختصاص به فرد يا گروه خاصّي ندارد.

مهدويّت:

زيديه شناسان معتقدند كه اين گروه قائل به مهدويت امام غائب نيستند، چون امامت را براي برپايي مصالح عامّه مي‌دانند، لذا به شخص وابسته نيست، بلكه در همه زمان‌ها بايد از امام أصلحي پيروي كنند، از اين رو نمي‌توان گفت امام مستور و پنهان است و بايد منتظر او بود. لذا مهدي در شخص معيّن خلاصه نمي‌شود. گرچه گفته شده است برخي از بزرگان زيديه مانند امام هادي إلي الحق معتقد به مهدي آخر الزمان بوده‌اند.

نظر زيديه در مورد امام علي (ع) و خلفا:

براي آشنايي با اين بحث لازم است به برخي از فرقه‌هاي زيديه اشاره شود، تا در ضمن بحث عقايد و افكار آنان، اين بحث نيز روشن شود: فرقه‌هاي اصلي زيديه و عقايد آنان عبارتند از:

الف: سليمانيه يا جريريه: كه پيروان سليمان بن جرير الرقي بودند و معتقد بودند كه:

1. پيامبر ـ صلي الله عليه و آله ـ كسي را به اسم انتخاب نكرد، از اين رو امام بايد از راه شوري تعيين شود.

2. امامت منحصر به فرد خاصي نيست و همة قريشيان در آن شريكند.

3. امامت مفضول با وجود افضل جايز است.

4. علي ـ عليه السّلام ـ افضل مردم بعد از پيامبر ـ صلي الله عليه و آله ـ و شايستة خلافت است و انتخاب كنندگان خلفاء در انتخاب خود اشتباه اجتهادي مرتكب شده‌اند، لذا فاسق نيستند (از اين راه خلافت آنان را صحيح مي‌دانند)

5. عثمان، عايشه، زبير و طلحه را كافر مي‌دانند.

6. تقيّه و بداء را قبول ندارند و ...

ب: جاروديّه يا سرحوبيّه: كه پيروان ابي جارود زياد بن منذر هستند و مي‌گفتند:

1. پيامبر ـ صلي الله عليه و آله ـ با نصّ خفي، علي ـ عليه السّلام ـ را به خلافت منصوب كرد و نه به اسم، صحابه با انتخاب خلفاء و پيروي نكردن از علي ـ عليه السّلام ـ كافر شدند.

2. امامت مخصوص فرزندان علي ـ عليه السّلام ـ است.

3. قائل به مهدويت هستند.

ج: صالحيّه و بتريّه: كه به پيروان حسن بن صالح و اصحاب كثير النواء كه لقب او ابتر بود مي‌گويند، عقايد آنان عبارتند:

1. امامت مفضول با وجود أفضل جايز است، به شرط آنكه افضل راضي باشد. علي ـ عليه السّلام ـ هم أفضل بود ولي از روي ميل و رغبت خلافت را به ديگران واگذار كرد.

2. تقيه و رجعت را انكار مي‌كنند.

3. كساني را كه با علي ـ عليه السّلام ـ جنگيدند كافر مي‌دانند مانند طلحه و زبير و ...

معرفي منابع جهت مطالعه بيشتر:

1. امامان شيعه و جنبش‌هاي مكتبي، محمد تقي مدرّسي، ترجمه حميد رضا آژير،

2. جنبش‌هاي شيعي در تاريخ اسلام، هاشم معروف الحسني، ترجمه سيد محمد صادق عارف،

3. ملل و نحل شهرستاني، ج1، ص 154.

4. الشهيد زيد بن علي و الزيديه، سيد محسن امين.

5. معارف و معاريف، (دائرة المعارف جامع اسلامي) سيد مصطفي حسيني دشتي، ج6، ص 124.

6. آشنايي با اسلام و فرقه‌هاي آن، مهرداد ايزد پناه، ص 152 به بعد.

7. ناسخ التواريخ، عباسقلي خان سپهر، ج8، ص 80.

پی نوشت:

(1) . زيد در سال هشتاد هجري قمري متولد و در سال 122 هـ . ق به شهادت رسيد.

(2) . مفيد، الارشاد، ترجمة محمد باقر ساعدي، نشر اسلاميه، چاپ سوم، 1376، ص 520.

(3) . رعد/31، و آل عمران/9.

(4) . غافر/18.

(5) . ربّاني گلپايگاني، علي، در آمدي بر علم كلام، قم، نشر دارالفكر، چاپ دوم، 1381، ص 208.